

آیا شیطان عامل اصلی بیماری های روانی است؟



آیا شیطان عامل اصلی بیماری های روانی است؟

یکی از سوالات رایج این است که آیا شیطان عامل اصلی بیماری های روانی است؟

غیرمسیحیان و به خصوص ملحدها اعتقاد دارند که کتاب مقدس خرافات را ترویج می کند، در حالی که امروزه علم ثابت کرده، عوامل ظهور بیماری های روانی، ژنتیک، ضربه مغزی، اعتیاد، افسردگی، واکنش غلط به مشکلات روزمره، وقوع اتفاقات دردناک... است.

واقعیت این است که کتاب مقدس تعلیم نداده، بیماری های روانی فقط ناشی از فعالیت شیطان است، اما در مواردی شیطان عامل اصلی معرفی شده. برای نمونه، مسیح با دیوانه ای که در قبرستان زندگی می کرد، روبرو شد. او آنقدر خطرناک بودند که کسی جرات نداشت از آن منطقه عبور کند. بارها او را با زنجیر بسته بودند، ولی او زنجیرها را پاره کرده بود.

هیچکس نمی توانست او را کنترل کند. روز و شب در قبرستان نعره می کشید و خود را به سنگ های تیز می زد و زخمی می کرد (مرقس فصل ۵ آیات ۱ - ۵).

روحي که در وجود آن مرد حضور داشت، از مسیح پرسید: "ای عیسی، فرزند خدا، برای چه به سراغ ما آمده ای؟" (آیه ۸). آن شخص هرگز مسیح را ندیده بود و او را نمی شناخت. اما روح های شریر (فرشتگان سقوط کرده و پیرو شیطان)، فوراً مسیح را شناختند. مسیح آنان را از وجود آن مرد خارج کرد. او نعره کشید (آیه ۱۳).

اگر آن مرد به وجود مسیح اعتراف نمی کرد، می توانستیم چنین استنباط کنیم که آن شخص فقط یک بیمار روانی بود.

لوقا نیز گزارش می دهد که پسران یک کاهن یهودی می خواستند روح پلید را از مرد دیوانه خارج کنند. آن مرد گفت: "من عیسی را می شناسم، پولس را می شناسم. شما کی هستید؟" سپس مرد دیوانه به آن ها حمله کرد و آنان را چنان زد که برهنه و خون آلود از خانه فرار کردند (اعمال رسولان فصل ۱۹ آیات ۱۵-۱۶). اگر مرد چنین اعترافی نمی کرد، چگونه می توانستیم دریابیم او در تسخیر ارواح شریر است و یا بیمار روانی؟

مسیح با یک جوان روانی مواجه شد. وقتی او عیسی را دید، به زمین افتاد و دهانش کف کرد (مرقس فصل ۹ آیه ۲۰). وقتی عیسی روح پلید را از او اخراج نمود، جوان نعره کشید (آیات ۲۵-۲۶).

شاید برخی از خوانندگان عزیز به آیاتی اشاره کنند که در مواردی مسیح روح پلید را اخراج کرد، ولی آن روح اعتراف نکرد که مسیح خداوند است (لوقا فصل ۱۲ آیات ۱۰-۱۲). در ابتدا باید متن را با دقت بررسی کرد. لوقا گزارش می دهد که آن زن "پشتش خمیده بود." به عبارت دیگر او دچار نقص جسمی بود و نه روانی. زن در کمال آرامش شفا یافت و رفتار عجیب از خود نشان نداد.

با این توصیف، گاهی شیطان می تواند از یک فرد روانی، برای اجرای مقاصد خود استفاده نماید. تجربه نشان داده که افراد روانی، مشکلات متعددی برای کلیسا به وجود می آورند. توصیه نگارنده این است که قبل از عضویت افراد در کلیسا، رهبران و مسئولان بکوشند تا شخصیت آنان را بشناسند. بدین ترتیب با حذف افراد روانی از لیست اعضاء، از بروز وقایع ناگوار جلوگیری به عمل خواهند آورد.

بارها رسانه ها گزارش داده اند که یک نفر، عده ای از دانشجویان در کالج به قتل رسانده است. وقتی قاتل را بازداشت می کنند، والدین و همسایگان و حتی همکلاسی هایش مدعی می شوند که او فرد آرام و مودبی بود. نمی دانیم ناگهان چه اتفاقی رخ داد! چرا او به قتل و کشتار دست زد؟ در حال حاضر، علم روان شناسی و جرم شناسی برای تبدیل یک فرد آرام و مودب به یک قاتل خطرناک پاسخی نیافته است. شکی نیست که چنین شخصی به دلایلی سرخورده و بدبین شده و تحت تاثیر روح های پلید مرتکب چنین جنایتی گردیده است.